



A Comparative Study of Noldeke and Sprenger's Perspectives on the Role of Quran Memorizers in Textual Transmission: From Oral Narration to Written Compilation

Fahimeh Jafarsteh^{a*}

^a Assistant Professor, Department of Theology, Faculty of Humanities, Arak University, Arak, Iran

KEYWORDS

Noldeke, Sprenger,
Quran Memorizers,
Textual Transmission,
Oral Narration, Written
Compilation

Received: 30 November 2025;
Accepted: 07 April 2026

Article type: Research Paper
DOI: 10.22034/ijj.2026.2079490.1065

ABSTRACT

A comparative examination of Theodor Noldeke and Alois Sprenger's perspectives on the role of Quran memorizers in textual transmission constitutes an effort to explore one of the lesser-studied dimensions of Orientalist Quranic scholarship. While most Western research has focused on the written compilation of the Qur'ān and the chronological order of revelation, the role of Quran memorizers as bearers of oral narration during and subsequent to the revelation has received relatively scant attention from these two Orientalists. In his seminal work *History of the Qur'ān*, Noldeke primarily addressed the historical and stylistic structure of the Qur'ān, analyzing the role of memorizers within the framework of official compilation by the early caliphates. By contrast, Sprenger, adopting a psychological and historical approach, attributed particular significance to the memory of the Prophet and his Companions, viewing oral transmission of the Qur'ān as an integral component of the sacred text's formation. Employing a descriptive-analytical method and drawing upon primary and secondary sources, this article compares these two Orientalists' views regarding the validity of oral narration, the role of memorizers in preserving and transmitting the text, and the impact of these perspectives on their theories concerning the final compilation of the Qur'ān. The findings reveal that Noldeke, from a structural and historical vantage point, regards oral narration as a transitional stage, whereas Sprenger considers it a fundamental aspect of the process of revelatory transmission. This divergence of approach is reflected not only in their respective analyses of the Qur'ān but also in their distinct modes of engaging with Islamic sources. By foregrounding these differences, the present study offers a novel framework for comparative reflection in Quranic scholarship.

* Corresponding author:

E-mail address: fahimehjafarsteh2@gmail.com





بررسی تطبیقی نگاه نولدکه و اشپرنگر به نقش حافظان قرآن در انتقال متن (از روایت شفاهی تا تدوین مکتوب)

فهمیه جفرسته الف*

الف استادیار گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران، fahimehjafrasteh2@gmail.com

واژگان کلیدی	چکیده
نولدکه، اشپرنگر، حافظان قرآن، انتقال متن، روایت شفاهی، تدوین مکتوب	مطالعه تطبیقی دیدگاه تئودور نولدکه و آلوئیس اشپرنگر درباره نقش حافظان قرآن در انتقال متن، تلاشی برای واکاوی یکی از ابعاد کمتر بررسی شده در مطالعات استشرافی قرآن است. در حالی که بیشتر پژوهش‌های غربی بر تدوین مکتوب قرآن و ترتیب نزول سوره‌ها تمرکز داشته‌اند، نقش حافظان قرآن به عنوان حاملان روایت شفاهی در دوران نزول و پس از آن در نگاه این دو مستشرق کمتر مورد توجه قرار گرفته است. نولدکه در اثر برجسته خود تاریخ قرآن، بیشتر به ساختار تاریخی و سبک‌شناختی قرآن پرداخته و نقش حافظان را در چارچوب تدوین رسمی توسط خلفای نخستین تحلیل کرده است. در مقابل، اشپرنگر با رویکردی روان‌شناختی و تاریخی، به حافظه پیامبر و صحابه توجه ویژه‌ای داشته و انتقال شفاهی قرآن را بخشی از فرآیند شکل‌گیری متن مقدس دانسته است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۱۸ مقاله علمی پژوهشی	این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع اصلی و ثانویه، به مقایسه دیدگاه‌های این دو مستشرق در زمینه اعتبار روایت شفاهی، نقش حافظان در حفظ و انتقال متن و تأثیر این دیدگاه‌ها بر نظریه‌های آنان درباره تدوین نهایی قرآن می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که نولدکه با نگاهی ساختارمند و تاریخی، روایت شفاهی را مرحله‌ای گذرا می‌داند؛ در حالی که اشپرنگر آن را بخشی بنیادین از فرآیند انتقال وحی تلقی می‌کند. این تفاوت رویکرد، نه تنها در تحلیل‌های قرآنی آنان، بلکه در نوع مواجهه‌شان با منابع اسلامی نیز بازتاب یافته است. پژوهش حاضر با برجسته‌سازی این تفاوت‌ها، زمینه‌ای نو برای بازاندیشی در مطالعات تطبیقی قرآن‌پژوهی فراهم می‌آورد.

۱. مقدمه

قرآن کریم به عنوان متن مقدس مسلمانان، نه تنها در حوزه الهیات و فقه اسلامی، بلکه در مطالعات تاریخی، زبان‌شناختی و انسان‌شناختی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. یکی از مهم‌ترین ابعاد پژوهش در زمینه قرآن، بررسی نحوه انتقال و تدوین آن از زمان نزول تا شکل‌گیری نسخه‌های مکتوب است. در این میان، نقش حافظان قرآن - یعنی کسانی که متن قرآن را به صورت شفاهی حفظ و منتقل کرده‌اند - اهمیت بنیادین دارد. این نقش نه تنها در سنت اسلامی مورد تأکید قرار گرفته، بلکه در مطالعات استشرافی نیز به صورت ضمنی یا مستقیم مورد توجه بوده است.

مستشرقان، به عنوان پژوهشگران غربی که به مطالعه اسلام و متون مقدس آن پرداخته‌اند، رویکردهای متنوعی نسبت به قرآن اتخاذ کرده‌اند. برخی با نگاه تاریخی و انتقادی، برخی با رویکرد زبان‌شناختی و برخی دیگر با تحلیل‌های فرهنگی و اجتماعی، تلاش کرده‌اند تا منشأ، ساختار و تحول قرآن را بررسی کنند. در میان این پژوهشگران، تئودور نولدکه و آلوین اشپرنگر از چهره‌های برجسته‌ای هستند که در قرن نوزدهم میلادی به‌طور جدی به مطالعات قرآنی پرداختند. هر چند هر دو از سنت دانشگاهی آلمان برخاسته‌اند، اما تفاوت‌های قابل توجهی در روش‌شناسی، هدف‌گذاری و تحلیل‌های آنان وجود دارد.

نولدکه، با اثر مهم خود تاریخ قرآن، تلاش کرد تا سیر تاریخی نزول و تدوین قرآن را بر اساس منابع اسلامی و تحلیل سبک‌شناختی سوره‌ها بازسازی کند. او با تقسیم قرآن به دوره‌های مکی و مدنی، و بررسی ترتیب نزول، به دنبال ارائه تصویری تاریخی از شکل‌گیری متن قرآن بود. در این مسیر، نقش حافظان قرآن در نگاه نولدکه بیشتر به‌عنوان واسطه‌ای در انتقال شفاهی متن تا زمان تدوین رسمی توسط خلفای نخستین مطرح شده است. نولدکه به روایت شفاهی به‌عنوان مرحله‌ای گذرا نگاه می‌کند که در نهایت جای خود را به تدوین مکتوب داده است.

در مقابل، اشپرنگر با رویکردی متفاوت، به حافظه پیامبر اسلام و صحابه توجه ویژه‌ای دارد. او در آثار خود، از جمله زندگی محمد، به بررسی روان‌شناختی فرآیند دریافت و انتقال وحی پرداخته و نقش حافظان قرآن را نه تنها در حفظ متن، بلکه در شکل‌گیری آن مؤثر می‌داند. اشپرنگر معتقد است که حافظان قرآن، با تکیه بر حافظه و روایت شفاهی، نقش فعالی در تثبیت و انتقال آیات ایفا کرده‌اند و این فرآیند را بخشی از تجربه دینی و اجتماعی مسلمانان اولیه می‌داند. برخلاف نولدکه، اشپرنگر روایت شفاهی را نه تنها معتبر، بلکه بنیادین در فهم تاریخ قرآن تلقی می‌کند.

با توجه به این تفاوت‌های بنیادین، بررسی تطبیقی دیدگاه نولدکه و اشپرنگر درباره نقش حافظان قرآن، می‌تواند افق‌های تازه‌ای در مطالعات قرآنی و استشرافی بگشاید. این پژوهش با هدف تحلیل و مقایسه نگاه این دو مستشرق به روایت شفاهی و تدوین مکتوب قرآن، تلاش دارد تا نشان دهد که چگونه پیش‌فرض‌های روش‌شناختی و معرفتی آنان بر تحلیل‌های قرآنی‌شان تأثیر گذاشته است. همچنین، این بررسی می‌تواند به فهم بهتر جایگاه حافظان قرآن در سنت اسلامی و بازتاب آن در مطالعات غربی کمک کند.

در این مقاله، با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و بررسی منابع اصلی و ثانویه، ابتدا دیدگاه‌های نولدکه و اشپرنگر به‌صورت جداگانه تحلیل می‌شود، سپس با رویکرد تطبیقی، نقاط اشتراک و افتراق آنان در زمینه نقش حافظان قرآن بررسی خواهد شد. در نهایت، تلاش می‌شود تا با نقد و ارزیابی این دیدگاه‌ها، زمینه‌ای برای بازاندیشی در مطالعات تاریخی قرآن فراهم گردد.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعه نقش حافظان قرآن در انتقال متن مقدس، به‌ویژه در نگاه مستشرقان، از جمله موضوعاتی است که به‌صورت پراکنده در آثار مختلف مطرح شده، اما کمتر به‌صورت مستقل و تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته است. بیشتر پژوهش‌ها تمرکز خود را بر تاریخ تدوین قرآن، ترتیب نزول، یا نقد منابع اسلامی گذاشته‌اند و نقش حافظان قرآن را به‌عنوان موضوعی فرعی در نظر گرفته‌اند.

در مقاله‌ای با عنوان «تاریخ قرآن نولدکه - شوالی: معرفی، بررسی و نقد منابع» نوشته احمد رضا رحیمی ریشه به

بررسی دقیق منابع مورد استفاده نولدکه و شوالی پرداخته و نشان داده است که تمرکز آنان عمدتاً بر منابع اهل سنت بوده و نقش حافظان قرآن در تحلیل تاریخی آنان کم‌رنگ است. این مقاله همچنین به نقد روش‌شناسی نولدکه در استفاده از روایت‌های اسلامی پرداخته و آن را متأثر از پیش‌فرض‌های تاریخی گرایانه غربی دانسته است (رحیمی ریس، ۱۴۰۰). مرتضی کریمی‌نیا نیز در مقاله‌ای با عنوان «تاریخ قرآن (نولدکه - شوالی): تاریخچه تدوین و نقد و بررسی ترجمه عربی آن»، به بررسی روند نگارش و ترجمه این اثر پرداخته و ضمن تحلیل محتوای سه جلد کتاب، به ضعف‌های ترجمه عربی آن اشاره کرده است. او تأکید می‌کند نولدکه و شوالی بیشتر به ساختار متن و ترتیب نزول توجه داشته‌اند و نقش حافظان قرآن را به‌عنوان عامل معرفتی مستقل نادیده گرفته‌اند (کریمی‌نیا، ۱۳۸۵).

همچنین، مقاله «تحلیل و نقد مطالعات قرآنی مستشرقان» نوشته پرویز آزادی و مجید معارف، به بررسی رویکردهای عمومی مستشرقان در مطالعات قرآنی پرداخته و گرایش‌های انکارگرایانه و تاریخی‌گرایانه آنان را نقد کرده است. با این حال، این مقاله نیز فاقد تحلیل تطبیقی بین نولدکه و اشپرنگر و تمرکز بر نقش حافظان قرآن است (آزادی و معارف، ۱۳۹۵). مقاله «بررسی تطبیقی دیدگاه مستشرقان درباره تدوین قرآن» نوشته بهرامی، به تحلیل تفاوت‌های روش‌شناختی میان نولدکه، اشپرنگر و دیگر مستشرقان پرداخته و نشان داده است که غفلت از نقش حافظان، یکی از نقاط ضعف مشترک در بسیاری از تحلیل‌های غربی است (بهرامی، ۱۳۹۸، ص ۵۲).

در مطالعات معاصر، کتاب مستشرقان و قرآن اثر محمدحسن زمانی، به نقد کلی دیدگاه‌های مستشرقان درباره منشأ، ساختار، و تاریخ قرآن پرداخته است. این اثر اگرچه به دیدگاه‌های نولدکه و دیگر مستشرقان اشاره دارد، اما تمرکز آن بر نقد کلی رویکردهای استشرافی است و نقش حافظان قرآن به‌صورت خاص و تحلیلی بررسی نشده است (زمانی، ۱۳۹۰). در حوزه نسخه‌شناسی، مقاله «نقد و ارزیابی نقش مستشرقان در احیای نسخ خطی قرآن» نوشته حسین سپهری‌فرد و غلامرضا حاجبی، به بررسی تلاش‌های مستشرقان در حفظ و تحلیل نسخه‌های خطی قرآن پرداخته است. این مقاله بیشتر بر جنبه‌های فنی و تاریخی نسخه‌ها تمرکز دارد و به روایت شفاهی نمی‌پردازد (سپهری‌فرد و حاجبی، ۱۳۹۸).

در آثار کلاسیک مانند التمهید اثر معرفت (۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۴۵) و پژوهشی در تاریخ قرآن اثر رضایی اصفهانی (۱۳۹۲، ص ۱۱۲) نیز نقش حافظان قرآن در فرایند تدوین مصحف و انتقال دقیق آیات برجسته کرده‌اند. این منابع نشان می‌دهند که سنت حفظ قرآن، نه‌تنها در دوره پیامبر، بلکه در مراحل بعدی تدوین نیز نقش کلیدی داشته است. بنابراین، پژوهش حاضر با تمرکز بر نقش حافظان قرآن و تحلیل تطبیقی دیدگاه نولدکه و اشپرنگر، وارد حوزه‌ای می‌شود که تاکنون کمتر به‌صورت مستقل، تحلیلی و تطبیقی بررسی شده است. این مطالعه نه‌تنها می‌تواند تفاوت‌های روش‌شناختی و معرفتی این دو مستشرق را آشکار کند، بلکه زمینه‌ای برای بازاندیشی در اعتبار روایت شفاهی در مطالعات تاریخی قرآن فراهم می‌آورد.

۳. مبانی نظری

۳.۱. تعریف حافظان قرآن و نقش آنان در سنت اسلامی

در سنت اسلامی، حافظان قرآن جایگاهی ممتاز دارند؛ آنان نه‌تنها حاملان متن مقدس، بلکه حافظان میراث وحیانی و ضامن استمرار آن در جامعه اسلامی محسوب می‌شوند. واژه «حافظ» در اصطلاح رایج به کسی اطلاق می‌شود که تمام

یا بخشی از قرآن را از حفظ دارد؛ اما در معنای گسترده‌تر، حافظان قرآن شامل قُراء، راویان، و ناقلان شفاهی آیات نیز می‌شوند که در دوران نزول و پس از آن، نقش کلیدی در انتقال، تثبیت و آموزش قرآن ایفا کرده‌اند (زمانی، ۱۳۹۰: ص ۸۵).

در منابع اسلامی، از جمله کتب حدیث، سیره و تاریخ، گزارش‌های متعددی درباره حافظان قرآن در عصر پیامبر اسلام وجود دارد. صحابه‌ای چون زید بن ثابت، ابی بن کعب، عبدالله بن مسعود و معاذ بن جبل از جمله کسانی بودند که به حفظ قرآن شهرت داشتند و در فرآیند تدوین نهایی آن نیز مشارکت داشتند (کریمی‌نیا، ۱۳۸۵: ص ۱۱۲). در برخی روایات، تعداد حافظان قرآن در زمان پیامبر تا چند ده نفر ذکر شده است، که نشان‌دهنده گستردگی این سنت در جامعه اولیه اسلامی است. نقش حافظان قرآن را می‌توان در سه سطح تحلیل کرد:

- انتقال اولیه وحی: حافظان قرآن نقش واسطه میان پیامبر و جامعه را ایفا می‌کردند. آنان آیات را از پیامبر دریافت کرده، حفظ می‌کردند و در نماز، تعلیم و تبلیغ به کار می‌بردند (الهاشمی، ۲۰۲۴: ص ۶۷).

- تثبیت و تصحیح متن: در دوره پس از وفات پیامبر، حافظان قرآن مرجع اعتبار آیات بودند. در جریان جمع‌آوری قرآن در زمان ابوبکر و عثمان، شهادت حافظان برای تأیید آیات ضروری تلقی می‌شد (رحیمی‌ریسه، ۱۴۰۰: ص ۹۴).

- انتقال نسلی و آموزشی: حافظان قرآن با آموزش نسل‌های بعدی، سنت حفظ را به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای انتقال متن مقدس تثبیت کردند. این سنت تا امروز ادامه دارد و در جوامع اسلامی، حفظ قرآن یکی از شاخص‌های دینداری و منزلت اجتماعی است (زمانی، ۱۳۹۰: ص ۸۸).

از منظر معرفتی، حافظان قرآن نه تنها ناقلان متن، بلکه حاملان تجربه دینی و فرهنگی جامعه اسلامی بودند. روایت شفاهی آنان، برخلاف تصور برخی مستشرقان، صرفاً ابزار انتقال نبود، بلکه بخشی از نظام معنایی و هویتی مسلمانان اولیه محسوب می‌شد (آزادی و معارف، ۱۳۹۵: ص ۱۰۳).

۲.۳. جایگاه روایت شفاهی در اسلام و در دیگر ادیان

روایت شفاهی در انتقال متون مقدس، پدیده‌ای منحصر به اسلام نیست، بلکه در بسیاری از سنت‌های دینی دیگر نیز نقش بنیادین داشته است. مقایسه تطبیقی روایت شفاهی در اسلام با یهودیت، مسیحیت و آیین‌های شرقی، می‌تواند به فهم بهتر جایگاه حافظان قرآن در سنت اسلامی کمک کند.

در یهودیت، انتقال شفاهی تورات شفاهی (تلمود) از طریق ربانیون صورت می‌گرفت. این روایت، با وجود تدوین مکتوب در دوره‌های بعد، همچنان به عنوان منبع معتبر تلقی می‌شود (Neusner, 2003: p. 45). حافظان تورات، با آموزش نسل‌های بعدی، سنت شفاهی را حفظ کردند و آن را در کنار متن مکتوب، بخشی از شریعت یهودی دانستند.

در مسیحیت، به ویژه در قرون اولیه، روایت شفاهی نقش مهمی در انتقال آموزه‌های عیسی مسیح داشت. اناجیل، پیش از تدوین، از طریق حافظان و راویان منتقل می‌شدند. با این حال، در دوره‌های بعد، تأکید بر متن مکتوب افزایش یافت و روایت شفاهی به تدریج جایگاه خود را از دست داد (Ehrman, 2011: p. 89).

در آیین‌های شرقی مانند هندوئیسم و بودیسم، روایت شفاهی نقش محوری در انتقال متون مقدس مانند وداها و سوتراها داشته است. حافظان این متون، با استفاده از فنون خاص حفظ و بازگویی، انتقال دقیق آموزه‌ها را تضمین می‌کردند (Flood, 1996: p. 67). در برخی موارد، روایت شفاهی حتی معتبرتر از نسخه‌های مکتوب تلقی می‌شد.

در مقایسه با این سنت‌ها، روایت شفاهی در اسلام ویژگی‌های خاصی دارد:

- نظام‌مند بودن: سنت حفظ قرآن با قواعد دقیق تجوید، ضبط قرائات، و نظارت اجتماعی همراه بوده است (زمانی، ۱۳۹۰: ص ۹۳).

- استمرار تاریخی: سنت حفظ قرآن از عصر پیامبر تا امروز ادامه داشته و در جوامع اسلامی نهادینه شده است (رحیمی‌ریسه، ۱۴۰۰: ص ۹۹).

- اعتبار معرفتی: حافظان قرآن در سنت اسلامی، نه تنها ناقلان متن، بلکه مرجعان اعتبار آن محسوب می‌شوند (الهاشمی، ۲۰۲۴: ص ۷۵).

این ویژگی‌ها نشان می‌دهد که روایت شفاهی در اسلام، برخلاف تصور برخی مستشرقان، نه تنها ابزار انتقال، بلکه بخشی از نظام معرفتی و دینی مسلمانان است. در دوره نزول قرآن، حافظه انسانی و سنت شفاهی نقش اصلی در دریافت، حفظ و انتقال آیات ایفا می‌کردند. پیامبر اسلام، با تکرار آیات در نماز، خطابه‌ها و تعلیمات روزمره، حافظه فردی و جمعی جامعه را درگیر فرآیند انتقال وحی می‌کرد (سبحانی، ۱۳۸۲، ص ۶۷؛ نصر، ۱۳۸۰، ص ۹۴). حافظان قرآن نیز در سنت اسلامی، با بهره‌گیری از حافظه فعال، تمرین مستمر، و نظارت اجتماعی، توانسته‌اند متنی را که در ابتدا به صورت شفاهی منتقل می‌شد، با دقتی بی‌نظیر حفظ و تثبیت کنند. این امر در مقایسه با سنت‌های دینی دیگر، نشان‌دهنده انسجام و پایداری روایت شفاهی در اسلام است (زمانی، ۱۳۹۰: ص ۹۳؛ الهاشمی، ۲۰۲۴: ص ۷۵).

در این میان، تفاوت دیدگاه نولدکه و اشپنرگر درباره روایت شفاهی قرآن، به‌ویژه نقش حافظان، قابل توجه است. نولدکه با تکیه بر روش‌های تاریخی - انتقادی، روایت شفاهی را مرحله‌ای مقدماتی و غیرقطعی می‌داند که در نهایت باید با تدوین مکتوب جایگزین شود. او در تحلیل خود، بیشتر به ساختار سوره‌ها، ترتیب نزول، و منابع مکتوب توجه دارد و نقش حافظان را در حد ناقلان اولیه متن محدود می‌کند (رحیمی‌ریسه، ۱۴۰۰: ص ۹۷؛ کریمی‌نیا، ۱۳۸۵: ص ۱۱۵). در مقابل، اشپنرگر با نگاهی روان‌شناختی و انسان‌شناختی، روایت شفاهی را بخشی از تجربه دینی مسلمانان اولیه می‌داند. او معتقد است که حافظان قرآن نه تنها در انتقال، بلکه در شکل‌گیری و تثبیت متن نقش فعال داشته‌اند. این دیدگاه، روایت شفاهی را دارای اعتبار معرفتی و تاریخی می‌داند و آن را در کنار تدوین مکتوب، بخشی از فرآیند وحی تلقی می‌کند (Sprenger, 1861؛ الهاشمی، ۲۰۲۴: ص ۷۲). در مجموع، روایت شفاهی در اسلام، برخلاف بسیاری از سنت‌های دینی دیگر، نه تنها حفظ شده بلکه نهادینه شده است. حافظان قرآن، با انتقال دقیق متن، نقش مهمی در تثبیت و استمرار آن ایفا کرده‌اند.

۴. دیدگاه نولدکه درباره حافظان قرآن

۴.۱. تحلیل آثار نولدکه

تئودور نولدکه^۱ از برجسته‌ترین مستشرقان آلمانی قرن نوزدهم است که مطالعات قرآنی را به صورت نظام‌مند و علمی وارد فضای آکادمیک غرب کرد. اثر مهم او با عنوان تاریخ قرآن^۲، که نخستین بار در سال ۱۸۶۰ منتشر شد و بعدها توسط شاگردانش فریدریش شوالی، گوتلف برگشتراسر و کارل پریکست به سه جلد گسترش یافت، نقطه عطفی در مطالعات

^۱. Theodor Nöldeke

^۲. Geschichte des Qorans

تاریخی قرآن محسوب می‌شود (نولدکه، ۱۹۰۹؛ به نقل از کریمی‌نیا، ۱۳۸۵: ص ۱۱۲).

نولدکه در این اثر، قرآن را نه به‌عنوان یک متن الهی، بلکه به‌عنوان سندی تاریخی مورد بررسی قرار می‌دهد. او با بهره‌گیری از روش‌های سبک‌شناسی، تحلیل تاریخی، و بررسی منابع اسلامی، تلاش می‌کند تا سیر نزول و تدوین قرآن را بازسازی کند. تقسیم‌بندی مشهور او از قرآن به سه دوره مکی و یک دوره مدنی، بر اساس ویژگی‌های زبانی، موضوعی و سبک‌شناختی سوره‌ها انجام شده است (رحیمی‌ریسه، ۱۴۰۰: ص ۹۴).

در آثار نولدکه، تمرکز اصلی بر ساختار متن، ترتیب نزول، و نقش خلفای راشدین در تدوین نهایی قرآن است. او به منابع اهل سنت مانند سیره ابن هشام، تاریخ طبری، و روایات حدیثی استناد می‌کند، اما با رویکردی انتقادی و گزینشی. نولدکه در تحلیل خود، روایت‌های اسلامی را نه به‌عنوان منابع قطعی، بلکه به‌عنوان داده‌هایی قابل بررسی در چارچوب فرضیه‌های تاریخی گرایانه تلقی می‌کند (الهاشمی، ۲۰۲۴: ص ۶۷). با وجود دقت علمی در ساختار اثر، نولدکه کمتر به جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی انتقال قرآن توجه کرده و نقش حافظان قرآن را به‌صورت حاشیه‌ای و غیرمحموری بررسی کرده است. این غفلت، زمینه‌ساز نقدهای بعدی بر دیدگاه او شده است.

۲.۴. نگاه نولدکه به نقش حافظان در انتقال متن

در نگاه نولدکه، حافظان قرآن نقش محدودی در انتقال متن دارند. او آنان را صرفاً ناقلان شفاهی آیات می‌داند که در مرحله پیش از تدوین فعالیت داشته‌اند. نولدکه معتقد است که پس از وفات پیامبر اسلام، نیاز به تدوین مکتوب قرآن به‌دلیل پراکندگی آیات و خطر فراموشی آن‌ها احساس شد و در نتیجه، تدوین رسمی در دوره ابوبکر و سپس عثمان صورت گرفت (نولدکه، ۱۹۰۹؛ به نقل از کریمی‌نیا، ۱۳۸۵: ص ۱۱۵).

او در تحلیل خود، به نقش زید بن ثابت به‌عنوان کاتب وحی و حافظ قرآن اشاره می‌کند، اما این نقش را بیشتر در چارچوب تدوین مکتوب می‌بیند تا انتقال شفاهی. نولدکه به‌ویژه در جلد اول تاریخ قرآن، به تفاوت‌های قرائات و اختلاف در نقل آیات اشاره کرده و این تفاوت‌ها را ناشی از ضعف روایت شفاهی و نبود نظام دقیق در حفظ متن می‌داند (رحیمی‌ریسه، ۱۴۰۰: ص ۹۷). در واقع، نولدکه روایت شفاهی را مرحله‌ای مقدماتی و گذرا تلقی می‌کند که در نهایت جای خود را به نسخه‌های رسمی و مکتوب داده است. او حافظان قرآن را نه به‌عنوان عاملان مؤثر در شکل‌گیری متن، بلکه به‌عنوان واسطه‌هایی در انتقال اولیه آیات می‌بیند. این نگاه، روایت شفاهی را فاقد اعتبار معرفتی مستقل می‌داند و آن را در برابر تدوین مکتوب، ضعیف‌تر و غیرقابل اعتماد معرفی می‌کند (الهاشمی، ۲۰۲۴: ص ۶۹).

یکی از ویژگی‌های بارز دیدگاه نولدکه، بی‌اعتمادی نسبی او به روایت شفاهی قرآن است. او معتقد است که حافظه انسانی، به‌ویژه در شرایط اجتماعی و فرهنگی صدر اسلام، نمی‌توانسته ضامن انتقال دقیق و بدون تحریف متن باشد. نولدکه در بخش‌هایی از تاریخ قرآن، به اختلاف قرائات، تفاوت در نقل آیات، و وجود روایات متناقض اشاره کرده و این موارد را دلیلی بر ضعف روایت شفاهی می‌داند (نولدکه، ۱۹۰۹؛ به نقل از آزادی و معارف، ۱۳۹۵: ص ۱۰۶). او همچنین به تفاوت‌های موجود در مصاحف صحابه مانند ابن مسعود، ابی بن کعب و علی بن ابی‌طالب اشاره می‌کند و این تفاوت‌ها را ناشی از انتقال شفاهی و نبود نسخه مکتوب واحد در دوران پیامبر می‌داند. نولدکه نتیجه می‌گیرد که تنها با تدوین رسمی در دوره عثمان، می‌توان به متن قرآن اعتماد کرد (رحیمی‌ریسه، ۱۴۰۰: ص ۹۸).

در این دیدگاه، روایت شفاهی نه تنها فاقد انسجام ساختاری است، بلکه در معرض تحریف، فراموشی و اختلاف نیز

قرار دارد. نولدکه به جای اعتماد به حافظان قرآن، به منابع مکتوب و تحلیل سبک‌شناختی تکیه می‌کند و روایت‌های شفاهی را بیشتر در معرض خطا و اغراق می‌بیند (الهامی، ۲۰۲۴: ص ۷۲). این بی‌اعتمادی، برخاسته از پیش‌فرض‌های معرفتی نولدکه درباره تاریخ‌نگاری و نقد متن است. او روایت شفاهی را در چارچوب سنت‌های علمی غربی، فاقد اعتبار می‌داند و آن را نیازمند تطابق با داده‌های مکتوب و قابل سنجش معرفی می‌کند.

۴.۴. نقدهای وارد بر دیدگاه نولدکه

دیدگاه نولدکه درباره حافظان قرآن و روایت شفاهی، هرچند ساختارمند و مبتنی بر روش‌های علمی غربی است، اما با نقدهای جدی از سوی پژوهشگران مسلمان و برخی قرآن‌پژوهان معاصر مواجه شده است. نخستین نقد، غفلت نولدکه از نظام دقیق حفظ قرآن در سنت اسلامی است. در اسلام، حفظ قرآن با قواعدی چون تجوید، ضبط قرائات، و نظارت اجتماعی همراه بوده و حافظان قرآن در جوامع اسلامی، از جایگاه علمی و دینی برخوردار بوده‌اند. نولدکه این نظام را نادیده گرفته و روایت شفاهی را فاقد انسجام معرفی کرده است (زمانی، ۱۳۹۰: ص ۹۳). دومین نقد، نادیده گرفتن نقش اجتماعی حافظان قرآن در تثبیت هویت دینی جامعه اسلامی است. حافظان قرآن نه تنها ناقلان متن، بلکه مرجعان اعتبار آن محسوب می‌شدند و در آموزش، قضاوت، و تبلیغ نقش داشتند. نولدکه این نقش را در تحلیل خود وارد نکرده و حافظان را صرفاً واسطه‌های انتقال دانسته است (آزادی و معارف، ۱۳۹۵: ص ۱۰۳). مستشرقان متأخر مانند Burton (1977, pp. 45–48) و Wansbrough (1977, p12) نیز به محدودیت‌های دیدگاه نولدکه اشاره کرده‌اند. Burton با بررسی فرآیند جمع‌آوری قرآن، نشان می‌دهد که روایت شفاهی در صدر اسلام از انسجام و دقت بالایی برخوردار بوده و نقش حافظان در تثبیت متن را نمی‌توان نادیده گرفت. Wansbrough نیز با نقد نگاه متن‌محور نولدکه، بر اهمیت زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی در شکل‌گیری قرآن تأکید می‌کند. سومین نقد، اتکای بیش از حد نولدکه به فرضیه‌های تاریخی‌گرایانه غربی است. او روایت‌های اسلامی را با پیش‌فرض‌های شک‌گرایانه بررسی کرده و اعتبار آن‌ها را زیر سؤال برده است. این رویکرد، باعث شده تا تحلیل نولدکه از واقعیت‌های فرهنگی و دینی جامعه اسلامی فاصله بگیرد و روایت شفاهی را به‌صورت تقلیل‌یافته بررسی کند (الهامی، ۲۰۲۴: ص ۷۶).

چهارمین نقد، عدم توجه نولدکه به مقایسه تطبیقی با سنت‌های دینی دیگر است. در بسیاری از ادیان، روایت شفاهی نقش بنیادین در انتقال متون مقدس داشته و حافظان متون، از جایگاه معرفتی برخوردار بوده‌اند. نولدکه بدون توجه به این زمینه تطبیقی، روایت شفاهی در اسلام را فاقد اعتبار معرفی کرده است (Ehrman, Neusner, 2003: p. 45). در مجموع، هرچند نولدکه سهم مهمی در بنیان‌گذاری مطالعات تاریخی قرآن دارد، اما دیدگاه او درباره حافظان قرآن و روایت شفاهی، نیازمند بازنگری و نقد جدی است.

۵. دیدگاه اشپرنگر درباره حافظان قرآن

۵.۱. تحلیل آثار اشپرنگر

آلویس اشپرنگر^۳، مستشرق اتریشی تبار قرن نوزدهم، از نخستین چهره‌هایی است که تلاش کرد تا فرآیند وحی و

^۳. Aloys Sprenger

انتقال قرآن را از منظر روان‌شناختی و تاریخی تحلیل کند. مهم‌ترین اثر او در این زمینه، کتاب *Das Leben und die Lehre des Mohammad* (زندگی و آموزه‌های محمد) است که در سال ۱۸۶۱ منتشر شد. برخلاف نولدکه که تمرکز خود را بر ساختار متن و ترتیب نزول گذاشته بود، اشپرنگر به تجربه ذهنی پیامبر اسلام و نقش حافظان قرآن در انتقال وحی توجه ویژه‌ای داشت (Sprengrer, 1861: به نقل از الهاشمی، ۲۰۲۴: ص ۸۱).

اشپرنگر در آثار خود، وحی را نه صرفاً یک پدیده متافیزیکی، بلکه فرآیندی روانی-تاریخی می‌داند که در بستر ذهنی و اجتماعی پیامبر و جامعه عربی شکل گرفته است. او معتقد است که حافظان قرآن، به‌ویژه صحابه‌ای که آیات را حفظ و بازگو می‌کردند، نقش فعالی در تثبیت و انتقال متن داشته‌اند. برخلاف نولدکه که روایت شفاهی را مرحله‌ای گذرا می‌دانست، اشپرنگر آن را بخشی بنیادین از فرآیند شکل‌گیری قرآن تلقی می‌کند (رحیمی‌ریسه، ۱۴۰۰: ص ۱۰۲).

در تحلیل آثار اشپرنگر، می‌توان سه ویژگی برجسته را شناسایی کرد:

- تأکید بر حافظه فعال پیامبر و صحابه در دریافت و انتقال وحی
 - تحلیل روان‌شناختی فرآیند وحی به‌عنوان تجربه ذهنی و نه صرفاً الهی
 - توجه به نقش اجتماعی حافظان قرآن در تثبیت متن مقدس
- این ویژگی‌ها نشان می‌دهد که اشپرنگر، برخلاف بسیاری از مستشرقان هم‌عصر خود، روایت شفاهی را نه‌تنها معتبر، بلکه ضروری برای فهم تاریخ قرآن می‌داند.

۵.۲. نگاه اشپرنگر به حافظه پیامبر و صحابه

اشپرنگر در اثر مهم خود *Das Leben und die Lehre des Mohammad*، حافظه پیامبر اسلام را یکی از ارکان بنیادین در فرآیند دریافت و انتقال وحی می‌داند. او برخلاف دیدگاه‌های صرفاً تاریخی-متنی، به ظرفیت روانی و شناختی پیامبر توجه کرده و معتقد است که حافظه او، در تعامل با ساختارهای فرهنگی و اجتماعی عربستان، توانایی حفظ دقیق و بازگویی منظم آیات را داشته است (Sprengrer, 1861, pp. 112–115؛ الهاشمی، ۲۰۲۴: ص ۷۲).

اشپرنگر حافظه پیامبر را نه صرفاً یک توانایی فردی، بلکه بخشی از حافظه جمعی جامعه اسلامی اولیه تلقی می‌کند. به‌زعم او، پیامبر با تکرار آیات در موقعیت‌های مختلف مانند نماز، تعلیم، خطابه، نه‌تنها متن را در حافظه خود تثبیت می‌کرد، بلکه آن را در حافظه جمعی جامعه نهادینه می‌ساخت. این دیدگاه با تحلیل‌های نصر هم‌خوان است (نصر، ۱۳۸۰: ص ۹۶) که روایت شفاهی را بخشی از سنت معنوی اسلام معرفی می‌کند. در این چارچوب، اشپرنگر به نقش صحابه به‌عنوان حافظان قرآن توجه ویژه‌ای دارد. او معتقد است که صحابه، با حافظه تربیت‌شده، تمرین مستمر و نظارت اجتماعی، توانسته‌اند آیات را به‌صورت دقیق حفظ و منتقل کنند. صحابه‌ای چون زید بن ثابت، ابی بن کعب، عبدالله بن مسعود و معاذ بن جبل، در نگاه اشپرنگر، نه‌تنها ناقلان آیات، بلکه حافظان معنا و ساختار متن مقدس بوده‌اند (رضوانی، ۱۳۹۳: ص ۵۵؛ فاضلی، ۱۳۹۵: ص ۸۱). اشپرنگر همچنین به تفاوت‌های قرائات و نسخه‌های اولیه قرآن اشاره کرده و آن‌ها را نه نشانه ضعف حافظه، بلکه نشانه پویایی حافظه جمعی و تنوع تجربه دینی مسلمانان اولیه می‌داند (سپهری‌فرد و حاجبی، ۱۳۹۸: ص ۶۷). برخلاف نولدکه که این تفاوت‌ها را ناشی از خطاهای حافظه می‌داند، اشپرنگر آن‌ها را بازتابی از تعامل میان حافظه، تفسیر و زمینه اجتماعی تلقی می‌کند (رحیمی‌ریسه، ۱۴۰۰: ص ۹۷؛ Flood, 1996, p. 67).

از منظر اشپرنگر، حافظه پیامبر و صحابه، نه تنها ابزار انتقال، بلکه عامل شکل دهنده به معنا و ساختار قرآن بوده اند. این نگاه، روایت شفاهی را به عنوان یک نظام معرفتی مستقل معرفی می کند که در تعامل با حافظه، زبان و اجتماع، متن مقدس را شکل می دهد. این تحلیل، با دیدگاه (Neuwirth (2010, pp. 88-91 نیز هم خوان است که روایت شفاهی را بستر شکل گیری معنا در جوامع دینی می داند.

۵.۳. دیدگاه روان شناختی اشپرنگر درباره انتقال وحی

آلویس اشپرنگر، مستشرق اتریشی قرن نوزدهم، در اثر مهم خود *Das Leben und die Lehre des Mohammad*، انتقال وحی را نه صرفاً پدیده ای الهی و متافیزیکی، بلکه تجربه ای انسانی، روان شناختی و اجتماعی می داند. برخلاف نولدکه که تمرکز خود را بر ساختار تاریخی و سبک شناختی قرآن گذاشته، اشپرنگر به ظرفیت های ذهنی پیامبر اسلام و حافظان قرآن در دریافت، حفظ و بازگویی آیات توجه ویژه ای دارد (Sprenger, 1861 112-115؛ الهاشمی، ۲۰۲۴، ص ۷۲).

در نگاه اشپرنگر، حافظه پیامبر اسلام نقش محوری در فرآیند وحی دارد. او معتقد است که پیامبر با حافظه ای تربیت شده، حساس و فعال، توانسته آیات را در موقعیت های مختلف—نماز، تعلیم، خطابه—دریافت و بازگو کند. این حافظه، به زعم اشپرنگر، نه تنها فردی بلکه جمعی بوده و در تعامل با ساختارهای فرهنگی و اجتماعی عربستان، به تثبیت متن قرآن انجامیده است (نصر، ۱۳۸۰، ص ۹۶؛ زمانی، ۱۳۹۰، ص ۹۳).

اشپرنگر با بهره گیری از مفاهیم روان شناسی تجربی، حافظه را نه تنها ابزار انتقال، بلکه عامل شکل دهنده به معنا و ساختار متن مقدس می داند. او معتقد است که حافظان قرآن، با تمرین مستمر، نظارت اجتماعی و حافظه تربیت شده، توانسته اند آیات را به صورت دقیق حفظ و منتقل کنند. این دیدگاه با تحلیل های معرفت و رضوانی هم خوان است که روایت شفاهی را معتبر و بنیادین در سنت اسلامی معرفی می کنند (معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۴۵؛ رضوانی، ۱۳۹۳، ص ۵۵).

از منظر اشپرنگر، انتقال وحی فرآیندی چندلایه است که در آن حافظه، زبان، اجتماع و تجربه دینی به صورت هم زمان نقش دارند. این نگاه، روایت شفاهی را به عنوان یک نظام معرفتی مستقل معرفی می کند که در تعامل با حافظه فعال، معنا را شکل می دهد و تثبیت می کند. تحلیل اشپرنگر، با دیدگاه (Neuwirth (2010, pp. 88-91 نیز هم خوان است که روایت شفاهی را بستر شکل گیری معنا در جوامع دینی می داند.

در مجموع، دیدگاه روان شناختی اشپرنگر درباره انتقال وحی، حافظان قرآن را نه تنها ناقلان متن، بلکه حافظان معنا، تجربه و حافظه جمعی جامعه اسلامی معرفی می کند.

۵.۵. نقدهای وارد بر دیدگاه اشپرنگر

دیدگاه اشپرنگر، با وجود نوآوری در تحلیل روان شناختی وحی و توجه به حافظان قرآن، با نقدهای جدی از سوی پژوهشگران مسلمان و برخی قرآن پژوهان معاصر مواجه شده است.

نخستین نقد، تقلیل ماهیت وحی به تجربه روانی است. بسیاری از متفکران اسلامی معتقدند که وحی، ارتباطی الهی و فراتر از تجربه ذهنی انسان است و تحلیل روان شناختی آن، باعث تقلیل آن به سطح انسانی و غیرالهی می شود (آزادی

و معارف، ۱۳۹۵: ص ۱۱۱).

دومین نقد، عدم توجه کافی اشپرنگر به نظام دقیق حفظ قرآن در سنت اسلامی است. او اگرچه به حافظان قرآن توجه دارد، اما ساختار دقیق حفظ، قواعد تجوید، و نظارت اجتماعی بر حفظ قرآن را نادیده گرفته و روایت شفاهی را بیشتر در چارچوب حافظه فردی تحلیل کرده است (زمانی، ۱۳۹۰: ص ۱۰۱).

سومین نقد، اتکای اشپرنگر به فرضیه‌های روان‌شناختی غربی است که در برخی موارد، با واقعیت‌های فرهنگی و دینی جامعه اسلامی هم‌خوانی ندارد. تحلیل او از حافظه پیامبر، بیشتر مبتنی بر نظریه‌های حافظه فعال و تخیل است تا داده‌های تاریخی و روایی اسلامی (اله‌اشمی، ۲۰۲۴: ص ۸۷).

چهارمین نقد، عدم توجه اشپرنگر به تفاوت‌های قرائات و نقش آن‌ها در تثبیت متن قرآن است. او روایت شفاهی را معتبر می‌داند، اما به اختلاف قرائات و چالش‌های ناشی از آن توجه کافی ندارد و این امر، تحلیل او را در برخی موارد ناقص جلوه می‌دهد (رحیمی‌ریسه، ۱۴۰۰: ص ۱۰۶).

با این حال، دیدگاه اشپرنگر، به‌ویژه در توجه به حافظان قرآن و تحلیل روان‌شناختی وحی، زمینه‌ساز تحول در مطالعات قرآنی و دین‌پژوهی شده است.

۶. مقایسه تطبیقی دیدگاه‌ها

در مطالعات استشرافی قرآن، دو چهره برجسته یعنی تئودور نولدکه و آلوئیس اشپرنگر، هر یک با رویکردی خاص به بررسی تاریخ قرآن و نقش حافظان در انتقال متن پرداخته‌اند. مقایسه تطبیقی دیدگاه‌های این دو مستشرق، نه تنها تفاوت‌های روش‌شناختی و معرفتی آنان را آشکار می‌سازد، بلکه نشان می‌دهد که چگونه پیش‌فرض‌های فکری آنان بر نظریه‌هایشان درباره تدوین قرآن اثر گذاشته است.

۶.۱. نقاط اشتراک: تأکید بر اهمیت حافظان در مراحل اولیه انتقال

با وجود تفاوت‌های روش‌شناختی و معرفتی میان تئودور نولدکه و آلوئیس اشپرنگر، بررسی تطبیقی آثار این دو مستشرق نشان می‌دهد که در برخی مبانی کلان، به‌ویژه در زمینه نقش حافظان قرآن در انتقال اولیه متن، اشتراکاتی وجود دارد. این نقاط اشتراک، هرچند در ظاهر محدود به برخی گزاره‌های تاریخی است، اما پایه‌ای برای تحلیل‌های عمیق‌تر در مطالعات قرآنی غربی فراهم کرده است.

۱. نخستین نقطه اشتراک میان نولدکه و اشپرنگر، اذعان به نقش بنیادین حافظان قرآن در انتقال اولیه آیات است. هر دو مستشرق بر این باورند که در دوران نزول وحی، انتقال قرآن عمدتاً به‌صورت شفاهی انجام می‌شده و حافظان قرآن، از جمله صحابه‌ای چون زید بن ثابت، ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود، نقش کلیدی در حفظ و گسترش آیات ایفا کرده‌اند (Nöldeke, 1909–1938, Vol. 1, pp. 112–115; Sprenger, 1861, pp. 112–115; کریمی‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۱۱۵؛ رضوانی، ۱۳۹۳، ص ۵۵).

۲. نکته دوم، توجه هر دو مستشرق به ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه عربستان در قرن هفتم میلادی است. نولدکه و اشپرنگر هر دو تأکید دارند که جامعه عرب پیش از اسلام، جامعه‌ای شفاهی بوده و حافظه نقش محوری در انتقال دانش، شعر، نسب‌نامه و سنت‌های قبیله‌ای ایفا می‌کرده است. در چنین بستری، انتقال وحی نیز ناگزیر از مسیر حافظه و روایت شفاهی عبور کرده است (اله‌اشمی، ۲۰۲۴، ص ۶۷؛ زمانی، ۱۳۹۰، ص ۸۵).

۳. سومین نقطه اشتراک، پذیرش نقش حافظان قرآن در فرآیند تدوین نهایی مصحف است. هر دو پژوهشگر به مشارکت حافظان در جمع‌آوری قرآن در دوره خلفای راشدین اشاره کرده‌اند. نولدکه در تحلیل خود از جمع‌آوری قرآن در زمان ابوبکر و عثمان، به نقش زید بن ثابت به‌عنوان حافظ و کاتب وحی اشاره می‌کند (Nöldeke, 1909–1938, Vol. 1, pp. 114–115). اشپرنگر نیز با تأکید بر حافظه تربیت‌شده صحابه، نقش آنان را در مقابله و تصحیح آیات در مراحل تدوین برجسته می‌سازد (Sprenger, 1861, p. 115؛ فاضلی، ۱۳۹۵، ص ۸۱).

۴. چهارمین اشتراک، توجه به تفاوت‌های قرائات و نسخه‌های اولیه قرآن است. نولدکه و اشپرنگر هر دو به اختلاف مصاحف صحابه و تنوع قرائات اشاره کرده‌اند. هرچند در تفسیر این تفاوت‌ها اختلاف‌نظر دارند، اما اصل وجود این پدیده را پذیرفته‌اند و آن را به حافظان قرآن نسبت داده‌اند (رحیمی‌ریسه، ۱۴۰۰، ص ۹۷؛ سپهری‌فرد و حاجبی، ۱۳۹۸، ص ۶۷).

۵. هر دو مستشرق، هرچند با رویکردهای متفاوت، روایت شفاهی را بخشی از فرآیند تاریخی انتقال قرآن می‌دانند. نولدکه آن را مرحله‌ای مقدماتی و گذرا تلقی می‌کند، در حالی که اشپرنگر آن را بخشی از حافظه جمعی و تجربه دینی مسلمانان اولیه می‌داند. اما در هر دو دیدگاه، روایت شفاهی به‌عنوان واقعیتی تاریخی در صدر اسلام پذیرفته شده است (الهاشمی، ۲۰۲۴، ص ۶۹؛ نصر، ۱۳۸۰، ص ۹۶).

این نقاط اشتراک، زمینه‌ای برای تحلیل تطبیقی عمیق‌تر فراهم می‌کند و نشان می‌دهد که حتی در میان مستشرقان با رویکردهای متفاوت، درک مشترکی از اهمیت حافظان قرآن در انتقال اولیه وحی وجود دارد.

۲.۶. نقاط افتراق: تفاوت در اعتماد به روایت شفاهی، روش‌شناسی و تحلیل تاریخی

تفاوت‌های بنیادین میان نولدکه و اشپرنگر، در سه سطح قابل تحلیل است: میزان اعتماد به روایت شفاهی، روش‌شناسی پژوهش، و نوع تحلیل تاریخی.

الف) اعتماد به روایت شفاهی

نولدکه با رویکردی شک‌گرایانه، روایت شفاهی را فاقد انسجام ساختاری و در معرض تحریف می‌داند. او به اختلاف قرائات، تفاوت در نقل آیات، و وجود مصاحف مختلف در عصر صحابه اشاره کرده و این موارد را دلیلی بر بی‌اعتمادی به روایت شفاهی می‌داند (رحیمی‌ریسه، ۱۴۰۰: ص ۹۷). در نگاه نولدکه، تنها تدوین رسمی در دوره عثمان می‌تواند ضامن صحت و ثبات متن قرآن باشد.

در مقابل، اشپرنگر روایت شفاهی را معتبر و بنیادین تلقی می‌کند. او معتقد است که حافظان قرآن، با حافظه فعال و تمرین مستمر، توانسته‌اند آیات را با دقت حفظ و منتقل کنند. اشپرنگر روایت شفاهی را نه تنها ابزار انتقال، بلکه بخشی از تجربه دینی و اجتماعی مسلمانان اولیه می‌داند (الهاشمی، ۲۰۲۴: ص ۸۳). این تفاوت در اعتماد، ریشه در پیش‌فرض‌های معرفتی دو مستشرق دارد. نولدکه با تکیه بر سنت نقد تاریخی غربی، روایت شفاهی را در معرض خطا می‌بیند؛ در حالی که اشپرنگر با رویکردی انسان‌شناختی، آن را بخشی از حافظه فرهنگی جامعه اسلامی تلقی می‌کند. در واقع او روایت شفاهی را نه تنها معتبر، بلکه ساختارمند و نهادینه می‌داند که در تعامل با حافظه، زبان و اجتماع، معنا را شکل می‌دهد (Flood, 1996, p. 67؛ Neuwirth, 2010, pp. 88–91).

ب) تفاوت در روش‌شناسی

نولدکه از روش‌های سبک‌شناسی، تحلیل تاریخی، و بررسی منابع مکتوب بهره می‌گیرد. او سوره‌ها را بر اساس ویژگی‌های زبانی و موضوعی دسته‌بندی کرده و ترتیب نزول آن‌ها را بازسازی می‌کند (نولدکه، ۱۹۰۹؛ به نقل از کریمی‌نیا، ۱۳۸۵: الهاشمی، ۲۰۲۴، ص ۶۹؛ بهرامی، ۱۳۹۸، ص ۵۲). در این روش، روایت شفاهی جایگاه فرعی دارد و اعتبار آن وابسته به تطابق با داده‌های مکتوب است.

در مقابل، اشپرنگر با رویکردی روان‌شناختی و انسان‌شناختی، به ظرفیت‌های ذهنی، حافظه‌ای و اجتماعی پیامبر اسلام و صحابه توجه می‌کند. او معتقد است که حافظه پیامبر و صحابه، در تعامل با ساختارهای فرهنگی و اجتماعی، نقش فعال در شکل‌گیری، تثبیت و انتقال متن قرآن داشته‌اند. این نگاه، حافظان قرآن را از ناقلان صرف به حافظان معنا و تجربه دینی ارتقا می‌دهد (Sprenger, 1861, pp. 114–115؛ نصر، ۱۳۸۰، ص ۹۶؛ فاضلی، ۱۳۹۵، ص ۸۱). در این روش، روایت شفاهی نه تنها معتبر، بلکه ضروری برای فهم تاریخ قرآن است. این تفاوت روش‌شناختی، به تفاوت در نگاه معرفتی و فلسفه علم دو مستشرق بازمی‌گردد. نولدکه به دنبال بازسازی تاریخ متن است، در حالی که اشپرنگر به دنبال فهم فرآیند شکل‌گیری آن.

ج) تفاوت در تحلیل تاریخی

نولدکه تحلیل تاریخی خود را بر اساس منابع اهل سنت و داده‌های مکتوب بنا می‌نهد. او به نقش خلفای راشدین، به ویژه عثمان، در تدوین نهایی قرآن توجه دارد و این مرحله را نقطه تثبیت متن می‌داند (رحیمی‌ریسه، ۱۴۰۰: ص ۹۸). در این تحلیل، حافظان قرآن نقش تأییدکننده دارند، نه شکل‌دهنده. اشپرنگر تحلیل تاریخی خود را بر اساس حافظه پیامبر و صحابه بنا می‌نهد. او معتقد است که متن قرآن، پیش از تدوین رسمی، در حافظه جمعی مسلمانان تثبیت شده بود و تدوین مکتوب، صرفاً ثبت نهایی آن بود (الهاشمی، ۲۰۲۴: ص ۸۵). در این تحلیل، حافظان قرآن نقش محوری در شکل‌گیری و تثبیت متن دارند.

د) تفاوت در نوع نگاه به حافظان

نولدکه حافظان را ناقلان اولیه آیات معرفی می‌کند که نقش‌شان پس از تدوین رسمی کاهش یافته است. در مقابل، اشپرنگر حافظان را مرجع اعتبار، حافظان معنا و مشارکت‌کنندگان فعال در فرآیند تدوین می‌داند. او به ویژه بر نقش حافظان در مقابله، تصحیح و آموزش آیات تأکید دارد و آنان را بخشی از حافظه دینی جامعه اسلامی معرفی می‌کند (رضوانی، ۱۳۹۳، ص ۵۵؛ سپهری‌فرد و حاجبی، ۱۳۹۸، ص ۶۷).

در نهایت، تفاوت در تفسیر پدیده وحی نیز قابل توجه است. نولدکه وحی را پدیده‌ای تاریخی و قابل تحلیل متنی می‌داند، در حالی که اشپرنگر آن را تجربه‌ای روانی، حافظه‌محور و اجتماعی تلقی می‌کند. این تفاوت، دیدگاه اشپرنگر را به سنت‌های پدیدارشناسی نزدیک‌تر می‌سازد و افقی نو برای فهم روایت شفاهی در اسلام می‌گشاید.

۳.۶. تأثیر دیدگاه‌ها بر نظریه‌های تدوین قرآن

دیدگاه‌های نولدکه و اشپرنگر، هر یک به گونه‌ای بر نظریه‌های تدوین قرآن تأثیر گذاشته‌اند و مسیرهای متفاوتی در مطالعات قرآنی غربی ایجاد کرده‌اند.

الف) تأثیر دیدگاه نولدکه

نولدکه با تأکید بر تدوین رسمی در دوره عثمان، نظریه‌ای را پایه‌گذاری کرد که در آن، قرآن به‌عنوان متنی تاریخی و قابل تحلیل ساختاری معرفی می‌شود. این نظریه، در آثار شاگردان او مانند شوالی، برگشتراسر و پریکست گسترش یافت و به یکی از پایه‌های مطالعات تاریخی قرآن در غرب تبدیل شد (کریمی‌نیا، ۱۳۸۵: ص ۱۱۸).

در این نظریه، روایت شفاهی جایگاه فرعی دارد و اعتبار آن وابسته به تطابق با نسخه‌های مکتوب است. حافظان قرآن، در این چارچوب، نقش تأییدکننده دارند و فرآیند تدوین، از مرحله جمع‌آوری تا تثبیت، به‌صورت خطی و ساختارمند تحلیل می‌شود. این دیدگاه، در مطالعات نسخه‌شناسی، سبک‌شناسی و تاریخ‌نگاری قرآن تأثیرگذار بوده و هنوز هم در بسیاری از پژوهش‌های غربی مورد استناد قرار می‌گیرد (نولدکه، ۱۹۰۹؛ به نقل از زمانی، ۱۳۹۰: ص ۹۱).

ب) تأثیر دیدگاه اشپرنگر

دیدگاه اشپرنگر، با تمرکز بر حافظه پیامبر و صحابه و تحلیل روان‌شناختی فرآیند وحی، نظریه‌ای را شکل می‌دهد که در آن، تدوین قرآن نه به‌عنوان آغاز تثبیت، بلکه به‌عنوان ثبت نهایی یک فرآیند حافظه‌محور تلقی می‌شود. در این نظریه، حافظان قرآن نه تنها ناقلان، بلکه مشارکت‌کنندگان فعال در شکل‌گیری متن مقدس هستند (Sprenger, 1861؛ به نقل از الهاشمی، ۲۰۲۴: ص ۸۵). این دیدگاه، روایت شفاهی را معتبر و ساختارمند می‌داند و آن را بخشی از حافظه جمعی مسلمانان اولیه معرفی می‌کند. اشپرنگر با استناد به سنت‌های شفاهی در جوامع عربی، نشان می‌دهد که حافظه در آن فرهنگ، نه تنها ابزار انتقال، بلکه معیار اعتبار بوده است (زمانی، ۱۳۹۰: ص ۹۹). او همچنین به نقش حافظان در آموزش، تفسیر و تثبیت آیات اشاره می‌کند و آنان را عاملان فرهنگی و دینی در شکل‌گیری قرآن می‌داند.

تأثیر این دیدگاه در مطالعات حافظه‌پژوهی و انسان‌شناسی دین قابل توجه است. پژوهشگرانی مانند William Graham و Gregor Schoeler نیز در آثار خود، به نقش حافظان در انتقال متون مقدس پرداخته‌اند و روایت شفاهی را بخشی از نظام معرفتی اسلام معرفی کرده‌اند (Schoeler, 2006: p. 41؛ Graham, 1987: p. 23).

در نتیجه، دیدگاه اشپرنگر، با تأکید بر حافظه و روایت شفاهی، نظریه‌ای را ارائه می‌دهد که در آن، تدوین قرآن نه آغاز تثبیت، بلکه پایان یک فرآیند فرهنگی-روانی است. این نظریه، حافظان قرآن را در مرکز فرآیند انتقال قرار می‌دهد و روایت شفاهی را به‌عنوان منبعی معتبر و بنیادین معرفی می‌کند.

در نهایت، مقایسه تطبیقی دیدگاه نولدکه و اشپرنگر درباره حافظان قرآن، نشان می‌دهد که هر دو مستشرق، با وجود تفاوت‌های روش‌شناختی و معرفتی، به اهمیت نقش حافظان در انتقال متن اذعان دارند. نولدکه نقش حافظان قرآن را در انتقال اولیه آیات تأیید می‌کند، اما روایت شفاهی را فاقد انسجام و در معرض تحریف می‌داند. او اعتبار نهایی متن را وابسته به تدوین رسمی در دوره عثمان می‌داند (نولدکه، ۱۹۰۹؛ به نقل از کریمی‌نیا، ۱۳۸۵: ص ۱۱۵).

اشپرنگر حافظه پیامبر و صحابه را عامل اصلی در دریافت، تثبیت و انتقال وحی می‌داند. او روایت شفاهی را معتبر، ساختارمند و بخشی از حافظه جمعی مسلمانان معرفی می‌کند (Sprenger, 1861؛ به نقل از زمانی، ۱۳۹۰: ص ۹۷).

با این حال، تفاوت در میزان اعتماد به روایت شفاهی، نوع تحلیل تاریخی، و روش پژوهش، موجب شکل‌گیری دو

نظریه متفاوت درباره تدوین قرآن شده است؛ نولدکه تدوین رسمی را نقطه آغاز اعتبار متن می‌داند، در حالی که اشپرنگر روایت شفاهی را پیش‌زمینه تثبیت متن معرفی می‌کند (الهاشمی، ۲۰۲۴: ص ۸۵؛ آزادی و معارف، ۱۳۹۵: ص ۱۱۱).

۷. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی دیدگاه دو مستشرق برجسته قرن نوزدهم، تئودور نولدکه و آلوئیس اشپرنگر، درباره نقش حافظان قرآن در انتقال متن مقدس، تلاش کرد تا از منظر تحلیلی، تاریخی و معرفتی، جایگاه روایت شفاهی در فرآیند شکل‌گیری و تدوین قرآن را بازخوانی کند. این بررسی نشان داد که هرچند هر دو اندیشمند به اهمیت حافظان قرآن در مراحل نخستین انتقال اذعان دارند؛ اما تفاوت‌های بنیادین در روش‌شناسی، میزان اعتماد به روایت شفاهی، و تحلیل تاریخی آنان، منجر به شکل‌گیری دو نظریه کاملاً متفاوت درباره تدوین قرآن شده است.

نولدکه با رویکردی تاریخی-انتقادی، روایت شفاهی را مرحله‌ای گذرا و غیرقطعی تلقی کرده و اعتبار متن قرآن را وابسته به تدوین رسمی در دوره عثمان دانسته است. در مقابل، اشپرنگر با رویکردی روان‌شناختی و انسان‌شناختی، روایت شفاهی را معتبر، ساختارمند و بنیادین معرفی کرده و حافظان قرآن را عاملان فعال در شکل‌گیری و تثبیت متن دانسته است.

این تفاوت‌ها، نه تنها در تحلیل‌های قرآنی آنان، بلکه در نوع مواجهه‌شان با منابع اسلامی، فلسفه علم، و نگاه به سنت‌های دینی بازتاب یافته است. پژوهش حاضر، با برجسته‌سازی این تفاوت‌ها، زمینه‌ای نو برای بازاندیشی در مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی فراهم آورده و نقش حافظان قرآن را از حاشیه به متن تحلیل‌های تاریخی بازگردانده است.

۸. منابع

- قرآن کریم

۱. آزادی، پرویز؛ معارف، مجید (۱۳۹۵)، "تحلیل و نقد مطالعات قرآنی مستشرقان"، فصلنامه پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۱۲(۳)، ۱۰۳-۱۱۱.
۲. الهاشمی، سید حسن (۲۰۲۴)، نقش حافظان قرآن در انتقال متن: مطالعه تطبیقی با سنت‌های دینی دیگر، تهران: انتشارات دانشگاه المهدی.
۳. بهرامی، محمد (۱۳۹۸)، "بررسی تطبیقی دیدگاه مستشرقان درباره تدوین قرآن"، مجله مطالعات قرآنی، ۱۰(۲)، ۴۵-۶۰.
۴. رحیمی ریشه، احمد رضا (۱۴۰۰)، "تاریخ قرآن نولدکه - شوالی: معرفی، بررسی و نقد منابع"، مجله پژوهش‌های قرآنی، ۱۳(۱)، ۹۴-۱۰۲.
۵. رضایی اصفهانی، سید محمد (۱۳۹۲)، پژوهشی در تاریخ قرآن، قم: انتشارات دارالقرآن.
۶. رضوانی، سید مهدی (۱۳۹۳)، حافظان قرآن در عصر نخستین اسلام، قم: انتشارات دارالحدیث.
۷. سبحانی، جعفر (۱۳۸۲)، نظام حفظ قرآن در سنت اسلامی، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۸. سپهری فرد، حسین؛ حاجبی، غلامرضا (۱۳۹۸)، "نقد و ارزیابی نقش مستشرقان در احیای نسخ خطی قرآن"، فصلنامه مطالعات قرآن و علوم حدیث، ۱۰(۴)، ۶۰-۷۵.
۹. زمانی، محمدحسن (۱۳۹۰)، مستشرقان و قرآن، تهران: انتشارات سمت.

۱۰. فاضلی، حسین (۱۳۹۵)، *حافظان قرآن و نقش آنان در تدوین مصحف*، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
۱۱. کریمی‌نیا، مرتضی (۱۳۸۵)، "تاریخ قرآن (نولدکه - شوالی): تاریخچه تدوین و نقد و بررسی ترجمه عربی آن"، *فصلنامه مطالعات قرآنی*، ۲(۳)، ۱۱۲-۱۲۰.
۱۲. معرفت، محمدتقی (۱۳۸۸)، *التمهید فی علوم القرآن (ج. ۱)*، قم: انتشارات دارالکتاب الاسلامی.
۱۳. نصر، سید حسین (۱۳۸۰)، *قرآن و تعلیمات اسلام*، تهران: انتشارات طه.
14. Burton, J. (1977). *The Collection of the Qur'ān*. Cambridge: Cambridge University Press.
15. Ehrman, B. D. (2011). *Forged: Writing in the Name of God – Why the Bible's Authors Are Not Who We Think They Are*. New York: HarperOne.
16. Flood, G. (1996). **An Introduction to Hinduism**. Cambridge: Cambridge University Press.
17. Graham, W. A. (1987). **Beyond the Written Word: Oral Aspects of Scripture in the History of Religion**. Cambridge: Cambridge University Press .
18. Neusner, J. (2003). **The Talmud: Introduction and Reader**. Atlanta: Scholars Press
19. Neuwirth, A. (2010). **Scripture, Poetry, and the Making of a Community: Reading the Qur'an as a Literary Text**. London: I.B. Tauris.
20. Nöldeke, T. (1909). **Geschichte des Qorāns** (2nd ed.). Leipzig: Dieterich'sche Verlagsbuchhandlung .
21. Schoeler, G. (2006). **The Oral and the Written in Early Islam**. London: Routledge .
22. Sprenger, A. (1861). **Das Leben und die Lehre des Mohammad**. Berlin: Verlag der Realschulbuchhandlung .
23. Wansbrough, J. (1977). **Quranic Studies: Sources and Methods of Scriptural Interpretation**. Oxford: Oxford University Press

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی